

این همان فرش بوده که برای خسرو پرویز ساخته بودند و تفصیل آنرا در شماره دهم مجله شرح داده ایم. این فرش شصت گز بزرگ (۱) و با انواع جواهر آراسته بود و باغی را نشان میداد با انواع گلهها و درختها و جویها و حوضها پیراسته خسرو پرویز در روی آن فرش بساط نشاط میگسترده و جشنها برپا میکرد. چشم روزگار تا کنون نظیر آنرا ندیده و دست صنعت بشر هنوز نمونه دیگری ازان بوجود نیاورده است.

این ضیاع بزرگ و این لطمه تاسف آور که عرب بصنعت ایرانی وارد آورده هزار قرن دیگر قدر شناسان هنر و دوستداران مدنیت ایرانرا داغدار و گریان خواهد ساخت.

رباعیات غم خيام

بتازگی در زیر این عنوان کتابی در استانبول بچاپ رسیده که دو فاضل شرقی تمام مباحث و تحقیقات و وثایق راجع بخيام را جمع کرده و دو مقدمه بسیار مفیدی بزبان ترکی بر آن کتاب نوشته اند.

تاریخ نشان میدهد که برخی از بزرگان عالم که دارای بعضی افکار عالیه بوده اند در خارج موطن خود بیشتر مورد توجه و التفات گشته اند تا در وطن خود زیرا که محیط موطن آنان قوت و علو افکار آنها را نتوانسته است درک و هضم نماید و بدین جهت آنان مافوق محیط عصر خود بوده اند. خيام نیز ازین جمله است.

چون این دو مقدمه مطالب تازه تر و مفید تری را جامعند ترجمه آنها را از یکی از دوستان با فضل و شیرین قام که ایران ما از افکار جوان و قلم آزاد و قوه متفکره و بخصوص از اخلاق متینة ایشان استفاده های زیاد خواهد کرد خواهش نمودیم و ایشان دعوت ما را اجابت و ما را مدیون همت خود ساختند. اینک این ترجمه را بتدریج درج میکنیم:

۱ - مقدمه مترجم

سخنگوی خردمند و شاعر دلپسند ابو الفتح نیشا بوری، متخلص بخيام از نامیترین بزرگان ایران است. سلاست الفاظ و رقت معانی و شیوایی

(۱) در شماره دهم صفحه ۲۶۴ سطر ۲۰ پس از کلمه شصت گز لفظ اندر بگز افتاده است خوانندگان علاوه بکنند.

سخن و سحر بیانی که استاد در رباعیات خود بکار برده است او را همپا و بلکه پیشوای بسیاری از دیگر فضلا‌ی این سرزمین مینماید. شعر را بطوری حکیمانه و حکمت را بدرجه ای شاعرانه گفته است که خوانندگان خود را از کشف و اطلاق اسم و عنوانی که بتواند جامع این وصف مرکب و بارز او باشد درمانده و متحیر میسازد. با اینکه شهرت او در حکمت و نجوم بیشتر است تا در شعر باید اعتراف نمود که هیچکدام از شعرای معروف حکمی ما در ادای خیالات فلسفی اینگونه زبردستی را که خیتام راست نشان نداده و اغلب دوچار تنگی قافیه شده گاهی معنا را بلفظ و گاهی لفظ را بمعنا و هنگامی نیز هر دو را بهمدیگر فدا نموده‌اند. بعضی از اشعار تنگ قافیه و تصنع آتیز رومی و عطار و حتی ناصر خسرو شاهد این دعوی توانند بود.

حکیم نیشابوری شاید یگانه بلبل باغ پریشان ایران باشد که از سروده‌های او همواره عطر گلزار ادب می‌آید و بدایع حکمت او هوشی از سر میرباید. ولتر معروف در موضوع یکی از نامیان یونان گفته است: « این شاعر حکیم که نه شاعر بود و نه حکیم... » یقیناً اگر ولتری نیز از استاد ما بحث نماید خواهد گفت « این شاعر حکیم که هم شاعر بود و هم حکیم ».

از حسن اتفاق آنکه این اواخر کتابی بعنوان رباعیات عمر خیام در اسلامبول بهمت مدیر کتابخانه اقبال آقای میرزا حسین تبریزی (۱) طبع و نشر گردیده. بعد از صدها کتب و مجلاتی که درین قرن در موضوع این مرد بزرگ در زبانهای خارجه انتشار یافته است اگر چنانچه نوشته‌های

(۱) آقای میرزا حسین اقبال در طبع کتب مفیده خدمت بزرگی بمعارف ایران میکند

استاد میرزا محمد خان قزوینی را (که در حاشیه کتاب چهار مقاله بحث مفیدی از خیام کرده و بد مختانه اسمش در کتاب تازه منطبعة استانبول برده نشده است) استثنا نمائیم ، این کتاب تنها اثری است که تحقیقات اخیر دانشمندان مغرب زمین را با روایات نویسندگان ایران مزج داده و در صورت خلاصه بیک زبان اسلامی نقل نموده است و جای بسی تمجید است که اداره ایران‌شهر بترجمه و نقل مقدمه این کتاب از ترکی پیاری و نشر آنرا در مجله ایران‌شهر تصمیم گرفته است . و اگر این بنده که خدمت ترجمه بعهدۀ من محول شده است بر ایفای آن نایل آمم بسیار سربلند و خورسند خواهم بود که هم خویشان را چندی بیاد خیام خوش داشته باشم و هم دیگرانرا .

درینموقع بنام قدر شناسی لازمست ذکر نمود که مراتب خدمت و سعی وجدیت دو مرد فاضل که یکی از ادبای ایران و دیگری از فضلالی عثمانی و میتوان گفت از دانشمندان مشرق زمین است در جمع و تلفیق این مقدمه همواره بادی شکران و مورد تحسین و امتنان ارباب علم و ادب خواهد بود .

آقای میرزا حسین خان دانش اصفهانی و دکتر رضا توفیق معروف بفیلسوف هر دوتن از آگاهانند و اولی در تحقیق جنبۀ تاریخی و ادبی خیام همان شایستگی و استعداد را بکار برده است که دومی در شرح جنبۀ فلسفی او . مقدمه اول از حیث احتوای آرای مختلفه تازه است و مقدمه دوم از جهت شرح و بسط فلسفی تازه تر و خواندن هر دو برای هموطنان عمر خیام مایه هرگونه استفاده معنوی است . در خاتمه باید بگوئیم که در طی ترجمه بنا برعایت گنجایش اوراق ایران‌شهر هرگز به اصول تحت اللفظی مراعات نکرده و آنجا که احتیاج افتد تلخیص و اجمال خواهد شد .

مقدمه مؤلفین کتاب

در قرن نوزدهم و خصوصاً در اواسط آن بود که گذشته از علوم و صنایع رغبتی وافی در بعضی از اصحاب خبرت برای تدقیق قدیمیات اقوام مختلفه بیدار شده و مخصوصاً برای تحقیق نثر ادب و ادبیات بعضی از ممالک باستان مانند یونان و مصر و کلد و آشور و بابل و ایران استادانی بوجود آمدند. در واقع باید گفت که این حس تتبع در قرون وسطی بهمت آنهائیکه در شناختن حیات ماضی و اجتماعی انسان کوششها میکردند و بدین لحاظ انسانپرست (۱) نام میگرفتند شروع مینماید. ولی درین اواخر که امکان نفوذ ارباب ذوق به اقصای بلاد مهجوره بواسطه فتوحات سیاسی بهتر میسر گردید لاجرم در کشف و تحصیل و ترجمه و تشریح آثار عتیق آن بلاد گامهای فراخ برداشته شد و در ظرف همین زمان است که در ضمن تحقیق احوال ایران چندی از رباعیات عمر خیّام که بمثابه گوهرهای گرانبهای خزینه ادبیات ایرانند بزبانهای خارجه ترجمه شد و بواسطه تأثیری که بدایع حکمت استاد که در قالب این رباعیهای ساده گنجیده بود، در افکار و افغان مغرب زمین اجرا نمود، اشخاصی به تحقیق حال شاعر شیرین مقال همت نموده و بعد از کنجگاوها از جمله نسخه ای از رباعیات خطی خیّام را در کتابخانه شهر اوکسفورد انگلستان موسوم به «بودلیان» در زیر نمره ۵۲۵ پیدا نمودند.

این کتاب بمناسبت اینکه در تاریخ ۸۶۵ هجری استنساخ شده و مزیت سبقت داشت در نزد علما بسیار مقبول افتاد و حتی کمی بعد شاعر شهیر انگلیس موسوم به فیتز جرال (۲) این کتابرا در بهترین شیوه ای

(۱) L'Humaniste (۲) Fitz Gerald

که تا کنون نظیر آن در زبان انگلیزی با ترجمه ادبی دیده نشده است، بزبان خودش نقل نموده و واسطه شهرت و شناخته شدن خیام در تمام ممالک متمدنه عالم گردید. آشنایان زبان انگلیسی را عقیده بر این است که مترجم مذکور در تعبیر انگلیسی رباعیات همان مهارت و حسن افاده را بکار برده است که خود خیام در فارسی.

امروز دیگر مراتب فضیلت و خرد و بزرگی خیام در نزد صاحبان نظر از جمله مسلمات است چه که مشار الیه دارای چندین مزیت مهم و متساوی بوده است: اولاً خیام در علم هیئت و ریاضیات صاحب مسلک و اختصاص است ثانیاً از وثایقی که بدست ما آمده است چنان استنباط میگردد که خیام از اطّباء معروف زمان خود و ثالثاً شاعر حکیمی بوده که بعلاوه آثار نثری حکمی گاهی افکار ابکار حکمت را در لهجه مأنوس رباعیات شیرین خودش بیان نموده است.

بواسطه همین استعداد و ذوفنونی اوست که عالم غرب اهمیتی بسزا بخیم داده و مخصوصاً از تقدیر فکرهای فلسفی او باز نه ایستاده اند چنانچه در آینده این مسئله را کمابلیق شرح و بسط خواهیم داد.

اول کسیکه در ممالک عثمانی عمر خیام را معرفی نمود معلم فیضی مرحوم بود که از ایالت آذربایجان ایران بوده و عمر خود را در استانبول بتدریس و تعلیم صرف کرد. این شخص سی و پنجسال قبل جزوه ای راجع بشاعر ستوده ایران نشر نموده و این رباعیرا در جواب کسانیکه هنوز بدرک بلندی مقام خیام قادر نشده و زبان درازی کرده بودند بنگاشت:

ارباب کماله نقص بولق مشکل صحرای تعصبه یورولق مشکل
خیامه تعرض ایتمک آسان ایتما خیام کی سخنور اولق مشکل.

بعد از متوفی مشار الیه چند سال قبل دکتر عبدالله جودت رباعیات خیام را بترکی ترجمه نمود که درین اثر غالباً ترجمه فرانسوی مسیونیکلا سفیر سابق فرانسه را در ایران مدار و مرجع قرار داده است، ولی تحقیقات و کشفیات اخیر در باره خیام زیاده از آن است که بدینها اکتفا بشود چه که علمای معاصر یعنی خیامیون فرنگ درجات کمال و دقایق احوال شاعر بزرگ ایران را طوری حلاجی نموده اندومی نمایند که این خود شرحی دارد. مخصوصاً پروفیسور روسی ژوکوفسکی درین موضوع تحقیقات مهمی کرده و از جمله رباعیات اصلی خیام را از آنهائیکه دیگران باسم او بسته اند تفریق و حتی از همان کتاب مسیونیکلا قریب هشتاد و دوربای بیگانه کشف نموده است.

فارسی شناس فاضل پروفیسور براون ازین جریان تحقیقات اخیر در جلد دوم تاریخ ادبی ایران بحث مفیدی کرده است.

ولی این نکته نیز گفتنی است که مقدم بر این آثار شرقشناسان، کتابهای عدیده شرقی نیز موجود بوده و هستند که راجع بخیام حاوی مطالبی مفید بوده و خوشبختانه نعمت استفاده ازین قبیل مأخذهای مهم در کتابخانه های استانبول برای ما نیز نصیب گردیده و این موقع را برای ذکر را همائی و یاری مخصوص اسماعیل صایب افندی مدیر کتابخانه عمومی بایزید و اظهار شکران خود غنیمت می شماریم.

اینرا نیز نگفته نگذیریم که ما نیز در نوبه خود در تحقیق و کشف رباعیات اصلی آنچه در و سعمان بود کوشیدیم با اینهمه تا وقتیکه رباعیهائی بخط دست خود خیام یا شاگردان او کشف نگردیده اند هر کز نمیتوان در اصالت و شمار آنها التزام قطعیت نمود و برای توضیح گفته میشود که

میزان ما در ترتیب و پیش و پس نوشتن رباعیات بیشتر از اصول معمولی
اقتفا بقافیة با نسبت محتویات حکمی آنها خواهد بود.

حسین دانش - رضا توفیق

مطبوعات تازه

بد بختانه در محیط ایران و بخصوص طهران چنانکه یکی از دوستان
صمیمی و واقف باوضاع اخلاقی و اجتماعی برای ما مینویسد فقط
فحشنامه‌ها، سیاستنامه‌ها و تکفیر نامه‌ها رواج و خریدار دارد و
مردم فقط بجراید فحاش و بی لجام و بی پروا و بی مسلک اهمیت میدهند.
بهین جهت جراید و مجله‌های جدی علمی و ادبی چندان طالب ندارد
و عدد آنها هم نسبتاً بسیار کم است و هرچه هم در افق تاریک مطبوعات
ایران ازین ستاره‌های علم و معرفت طلوع میکنند بجهت نداشتن و سایل
مداومت و ندیدن توجه و رغبت عامه ناچار در اندک زمان
غروب مینمایند.

با وجود این خیلی مایه خوشوقتی است که می بینیم بعضی از ادبا
و فضلا و پیشروان راه نجات و رهبران پراز امید این آب و خاک درین راه
بذل همت و مقدرت و صرف تقدینة حیات میکنند. چون ما میدانیم چه
اندازه فداکاری و قوت قلب و متانت و استقامت و عشق در ادامه
دادن این خدمت علمی لازم است لهذا همت این پیشروان معنوی ایران را
سزاوار همه گونه ستایش و تقدیر دانسته خورا موظف بعرض تبریک
و تقریظ میشماریم. چنانکه در میان مطبوعات ایران بتازگی جریده